

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۸

صص ۵۹۷-۶۱۲

## تحلیل جامعه‌شناختی مسئولیت مدنی معلمان در حقوق ایران

اسلام ندایی<sup>۱</sup>، ایران سلیمانی<sup>\*۲</sup>

۱- کارشناس ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

۲- گروه الهیات (فقه و حقوق)، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

### چکیده

تعلیم و تربیت اسلامی اهمیت ویژه‌ای برای تربیت انسان قائل است که در راستای آن شناخت مسئولیت معلمان در سایه حقوق ایران تحقق می‌یابد، یکی از رویکردهای آسیب شناسانه به نظام آموزشی توجه به صدمات جسمانی دانش‌آموختگان است که به سبب درگیری در امر آموزش به علم آموزان وارد می‌آید. این صدمات دارای طیف وسیعی می‌باشد و بعضاً اشتغال به امر تعلیم و تعلم را به مخاطره می‌اندازد لذا واکاوی ریشه‌ها و تبیین مسوولیت مدنی و عواملی که دارای نقشی اساسی در بروز انواع صدمات جسمانی به آنان هستند ضرورتی انکارناپذیر است. در این میان با توجه به منشاء انواع صدمات جسمانی که به دانش‌آموزان وارد می‌شود مسئولیت اشخاص مختلفی از جمله معلمان مطرح می‌گردد. این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی جهت حمایت از حقوق دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافت که حقوق ایران، مسئولیت مدنی معلمان را بر مبنای نظریه تقصیر پذیرفته که در صورت وجود تقصیر، معلمان را ملزم به جبران خسارت نمود. واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، معلم، تقصیر، خسارت، جبران خسارت

### مقدمه

حقوق مسئولیت مدنی، یکی از شاخه‌های حقوق مدنی است. در این شاخه از حقوق، صحبت از آن است که اگر شخصی، عمداً یا بر اثر بی احتیاطی به دیگری زیان مادی یا معنوی وارد کند، مسئول جبران خسارت وارده است (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی). در زندگی پر مخاطره امروزی،

نقش و اهمیت قواعد مسئولیت مدنی بیش از پیش نمایان شده است. گسترش و تعدد مشاغل و فعالیت‌هایی که اشخاص به آن مبادرت می‌نمایند و تنوع خطراتی که این مشاغل و فعالیت‌ها برای دیگران ایجاد می‌کند، ایجاب می‌نماید که قواعد و احکام مسئولیت مدنی در هر یک از این مشاغل و فعالیت‌ها، جداگانه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، مسئولیت مدنی معلمان در حقوق موضوعه ایران، هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی، مقرراتی در مورد مسئولیت مدنی معلمان وضع شده است. شرایط تحقق مسئولیت مدنی معلم، مبنای این مسئولیت و پیامدهای این مسئولیت، از مهم‌ترین مباحث مطروحه می‌باشد. اهمیت و ضرورت جایگاه مسئولیت معلمان در نظام اجتماعی و ارتباط متقابل این مفهوم با مشارکت از مسائل و دغدغه‌هایی است که محور بحث تحلیل گران اجتماعی می‌باشد به نظر می‌رسد آگاهی از حقوق علی‌الخصوص حقوق دانش‌آموزان امروز به عنوان نیاز اساسی تمام والدین و دانش‌آموزان در عرصه تعلیم و تربیت است. آگاهی از حقوق از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عامل بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای پر مخاطره مدرن است عدم توجه به آگاهی از حقوق مخدوش‌کننده پایگاهها و نقش‌ها و سبب تاخیر در کارها و هزینه‌بر شدن آنها، خلل در روابط و تعاملات و باعث ایجاد مشکلاتی در مشارکت می‌شود. چرخش نظریه‌های جامعه‌شناسی به سمت مفاهیم نرم همانند: آگاهی از حقوق و مشارکت در همین راستا است. اگر آگاهی از حقوق در یک جامعه آنهم در مرکز تعلیم و تربیت سطح بالای نباشد، افراد نمی‌دانند چه نوع حقوق و تکالیفی در جامعه و در قبال دیگران دارند، و چگونه می‌بایست در جهت تحقق و ایفای آنها تلاش کنند. شک نیست جامعه‌ای که فرد، فرد آن از حقوق خود آگاهی کامل دارند با جامعه‌ای که افراد آن حتی از حق حیات خود نیز آگاه نیستند، متفاوت زندگی می‌کنند. بنابراین سنجش آگاهی از حقوق معلمان و برآورد اثر آن بر سطح مشارکت ضروری و حائز اهمیت است، تا راهکارهای ارتقاء بصیرت و تقویت آگاهی از حقوق شناسایی و موانع مشارکت را رفع نماییم. از این رو ضروری است بدانیم میزان آگاهی از حقوق معلمان و مسئولیت آنان در قبال دانش‌آموزان چه اثری بر امر تعلیم و تربیت دارد زیرا می‌تواند برای برنامه‌ریزی‌های آینده مفید و مؤثر واقع شود.

### بیان مساله و اهمیت تحقیق

آگاهی از حقوق از مهمترین مفاهیم مطرح در حوزه علوم اجتماعی است. مفهوم آموزگار نیز در حقوق ایران، آموزش دهنده‌ای است که تا حدودی وظیفه مراقبت و مواظبت از دانش‌آموز را داشته است. در حقوق ایران با لحاظ ماده ۷ مسئولیت آموزگار منوط به وظیفه مراقبتی است که در خصوص دانش‌آموز بر عهده دارد و شرط سنی برای دانش‌آموز وجود ندارد. همچنین باید رفتار

دانش آموز نیز مقصرانه باشد مسئولیت مدنی آموزگار نیز از یک منظر تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است. یعنی سه رکن شامل وجود ضرر، فعل زیان بار و رابطه سببیت بین فعل زیان بار و خسارت در احراز چنین مسئولیتی لازم است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۴۱) گذشته از شرایط عمومی مسئولیت مدنی، در مورد مسئولیت خاص آموزگار ناشی از عمل غیر، شرایط ذیل لازم است و احراز آنها برای تحقق مسئولیت آموزگار لازم است **شرط اول**، شرایط زمانی است که دانش آموز وارد مؤسسه آموزشی می شود و تا زمانی ادامه دارد که از مؤسسه خارج گردد، مگر اینکه آموزگار پذیرفته باشد، که دانش آموز را تا درب منزل همراهی کند. همچنین، در مواردی که دانش آموز کودکی است که از مؤسسه فرار نموده باشد یا مؤسسه زودتر از موعد تعطیل شود و والدین از این امر اطلاعی نداشته باشند، آموزگار، مسئول است. حتی لزومی ندارد که خسارت، هنگام آموزش باشد. بلکه پس از اتمام آموزش نیز تا زمانی که در عرف، وظیفه مراقبت بر دوش معلم باشد، آموزگار مسئول است. (عوجی، ۲۰۰۹، ص ۴۲۸) **شرط دوم**، شرط مکانی است که این شرط وابستگی دانش آموز به محیط آموزشی و مسأله تعلیم و تربیت را نیز نشان می دهد. به همین دلیل، زمانی که دانش آموز جلوی درب مدرسه، سبب اضرار می گردد ولی وی اصلاً دانش آموز مؤسسه نیست، نباید آموزگار را مسئول اعمال زیان بار وی دانست. بنابراین، دانش آموز باید دارای وصف دانش آموز باشد تا بتوان مسئولیت اعمال زیان بار وی را بر آموزگار تحمیل نمود. بنابراین، وظیفه مراقبت و مواظبتی که آموزگار بر عهده دارد، رکن اساسی مسئولیت آموزگار نسبت به عمل دانش آموز می باشد. **شرط سوم**، اثبات تقصیر آموزگار می باشد؛ زیرا صرف ارتباط خسارت با محیط آموزشی کافی نیست تا آموزگار، مسئول باشد. بلکه زیان دیده باید رفتار مقصرانه آموزگار را به اثبات برساند. این تقصیر نیز با عدم مراقبت است یا مراقبت ناقص و ناکافی است. به نظر برخی، **شرط چهارم** این است که باید رفتار دانش آموز نیز مقصرانه باشد تا بتوان مسئولیت را بر دوش آموزگار نهاد. و گرنه آموزگاری که از افعال عادی دانش آموزی ممانعت به عمل نمی آورد، تقصیری در مراقبت و مواظبت به آموزگار، محسوب نیست. برخی معتقدند، آموزگار فقط مسئول حوادثی است که برای وی قابل پیش بینی بوده است. که این شرط در مسئولیت قراردادی و قهری مشترک است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۴۰) این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی در صدد است تا مسئولیت معلمان را در قبال خساراتی که در تعلیم و تربیت دانش آموزان ایجاد می شود براساس حقوق موضوعه ایران جهت حمایت از حقوق دانش آموزان واکاوی نماید. به عبارتی سؤال اصلی این مطالعه این است که مبنای مسئولیت معلمان در قبال رفتارهای مختلف دانش آموزان بر چه پایه ای استوار است؟ به عبارتی فرضیه تحقیق این است که بین مسئولیت معلمان و تغییر رفتارهای آنها با وضعیت زمانی و مکانی و تقصیر دانش آموزان و معلمان رابطه وجود دارد. بررسی نظری این موضوع نشان می دهد که دیدگاه های متفاوتی در رابطه با مسئولیت معلمان در قبال دانش آموزان

قابل دسته بندی است. که تحقیق حاضر با احراز شرط زمانی و مکانی و عمل مقصرانه دانش آموز و اثبات تقصیر آموزگار بر اساس قانون مدنی مسئولیت معلمان را در قبال دانش آموزان امری لازم و ضروری است.

### بحث و بررسی

مهمترین نظریه در مسئولیت مدنی، نظریه تقصیر است و مبنای اصلی مسئولیت مدنی است اما به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، حل و فصل برخی از مسائل، از طریق نظریه تقصیر با عدالت و انصاف سازگار نیست و به همین دلیل در خصوص آن مسایل، نظریات دیگر مورد استفاده قرار می گیرد. (ره پیک، ۱۳۸۷، ص ۳۶) برخی حقوقدانان گفته اند: برای تشخیص تقصیر باید عملی را که در اثر آن به دیگری خسارت وارد شده است با عمل اشخاص محتاط مقایسه نمود، چنانچه فاعل در انجام عمل، رعایت احتیاطاتی را ننموده باشد که هر شخص محتاط در این گونه اعمال می نماید، آن فاعل مسئول خسارت وارده به غیر نخواهد بود. (پروین، ۱۳۸۰، ص ۳۰) درست است که بر اساس این نظریه، این زیان دیده است که باید تقصیر فاعل زیان را ثابت نماید یعنی مطالبه خسارت از فاعل زیان، مستلزم اثبات تقصیر او بوده و متوقف بر آن است اما این امر به آن معنا نیست که فاعل در این میان، فقط تماشاگر محض بوده و منتظر نتیجه اقدامات زیان دیده است، بلکه فاعل نیز می تواند برای رفع مسئولیت خود یکی از امور زیر را ثابت کند: الف) در اثر اجرای حق قانونی وی، خسارت متوجه طرف شده است. ب) فرس ماژور علت حقیقی ورود خسارت بوده است. ج) عمل زیان دیده علت ورود خسارت بوده است. (امامی، ۱۳۸۳، ص ۱۱) بر مبنای این نظر، برای تحقق تقصیر لازم نیست که کار شخص قابل سرزنش و نکوهش باشد و خطای هر کس با کنکاش در درون و باطن وی و به طور جداگانه و با توجه به وضع مادی و روحی ویژه او مورد بررسی واقع شود. همین که اقدامی در مقایسه با رفتار انسانی متعارف و محتاط در آن شرایط مخالف باشد، تقصیر است، هر چند مرتکب را نتوان به خاطر آن ملامت کرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۵۰) این نظریه هر چند برخی انتقادات نظریه شخصی از جهت سهولت در اثبات و نیز شناخت مسئولیت برای صغار و مجانین را برطرف نمود، اما دور از ایراد نبود و مورد انتقاداتی واقع شده از جمله این که با به کار بردن معیار نوعی تقصیر بر خلاف ادعا از جنبه اخلاقی تقصیر حمایت نکرده بلکه در واقع معیار به کار رفته فاقد جنبه اخلاقی است و بازگشت مخفیانه به نظریه خطر است. (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۵۰)

نظریه تقصیر مفهوم وسیعی است که مصداق های متعدد و متنوعی از جمله تقصیر نوعی، شخصی، دارد. گرچه همه این مصداق ها و عنوان ها نظریه تقصیر نامیده می شوند ولی به اعتبارهای مختلف، می توان آن ها را در دسته های خاص قرار داد. فرق اساسی بین مسئولیت شخصی و مسئولیت نوعی در این است که اولی مبتنی بر تقصیر است هر چند که به صورت تقصیر

مفروض باشد حتی اگر این فرض، فرضی باشد که خلاف آن را نتوان ثابت کرد، زیرا در این صورت نیز اساس مسئولیت تقصیر است نه ضرر اما مسئولیت نوعی مبتنی بر ضرر است نه تقصیر. مدیون همیشه می تواند مسئولیت شخصی را از خود سلب کند یا با نفی تقصیر از خود (و اثبات بی تقصیری) یا به خاطر اینکه علت خارجی ضرر را ایجاد کرده است ولی بنا به عقیده ی برخی از حقوقدانان (السنهوری، ۱۳۸۴، صص ۷۶۸ و ۷۶۹) در مسئولیت نوعی (یا عینی) خوانده دعوی حتی با اثبات بی تقصیری خود و با اثبات دخالت علت خارجی نمی تواند مسئولیت را از خود دور کند و مادام که ضرر از تحرکات و فعالیت های خواننده به وجود می آید اگرچه تقصیری هم از او سرزنزند، مسئول جبران آن ضررها است. برای بر طرف کردن عیوب نظریه عیوب تقصیر شخصی تلاش های وسیعی شده و نظریه های مختلفی پا به عرصه ی ظهور گذاشته است.

## بررسی تبیین و توجیه مبنای مسئولیت مدنی معلمان

### ۱- مسئولیت شخصی

مسئولیت شخصی معلم، تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است. اگر معلمی به نحو مباشرت سبب خسارت دانش آموزی شود، طبق ماده ۳۲۸ قانون مدنی و اگر به نحو تسببت باشد طبق ماده ۳۳۱ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مسئول می باشد.

### ۲- مسئولیت ناشی از عمل غیر

در حقوق ایران، از نظر تحلیلی به نظر می رسد در موردی که رابطه شاگرد و معلمی وجود دارد، اما شاگرد مزبور، صغیر نیست، مانند دانش آموزان مقطع متوسطه، در صورتی که خسارتی به بار آورند، در بدو امر خود شاگرد مکلف جبران خسارت است. در این موارد، نمی توان به ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی استناد نمود؛ زیرا در ماده ۷ فقط صغیر و مجنون ذکر شده اما از باب قواعد کلی و با توجه به این مسئله که در حقوق مسئولیت مدنی هر شخصی که کنترل و نظارت دیگری دارد، مسئول اعمال زیان بار شخص تحت نظارت و کنترل می باشد، بعید نیست بتوان معلم را مسئول اعمال دانش آموز دانست. در همین مورد هم هست که در حقوق ایران این خلاء وجود دارد و باید مسئولیت مدنی آموزگار، ناشی از عمل دانش آموز قوانین مطرح شود و الا جایی که دانش آموز صغیر باشد، مسئولیت معلم می تواند مشمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی باشد.

در مواردی دانش آموزی در محیط آموزشی سبب ورود خسارت به دیگری می گردد، که طبق ماده ۱۳۸۴ قنون مدنی فرانسه مسئولیت معلم ناشی از عمل غیر، مطرح می گردد (نظری، ۱۳۸۹، صص ۲۳۲) به همین دلیل، بند ۶ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه مقرر می دارد که معلمان مسئول خساراتی هستند که به سبب عمل دانش آموزی در زمانی که تحت نظر آنها هستند، وارد می شود و منظور از مسئولیت خاص آموزگار نیز همین مسئولیت است که موضوع این نوشتار می باشد.

## ۲- جبران خسارت

یکی از اهداف جامعه پذیری در مراکز تعلیم و تربیت، اجتماعی شدن به گوناگونی جامعه انسانی است به این معنا که هر جامعه ای با توجه به شرایط و مقتضیات خود، افراد را پرورش می دهد لذا گام اول در پرورش دهنده آگاهی خود معلمان از حقوق خویش در قبال دانش آموزان می باشد و بالتبع دانش آموزان نیز تحت تاثیر قرار گرفته و از حقوق خود آشنا خواهند شد چرا که وقتی دانش آموزی که وارد مدرسه می شود نخستین تماس جدی خود را با یک سازمان رسمی اجتماعی شدن برقرار می کند. در اولین کانون اجتماعی شناسایی حق و اعمال آن از اهم مطالب است. از آنجا که اعمال حق بر اساس اثبات تقصیر معلم می باشد لذا بررسی عناصر آن ضروری است.

### ۱- حق جبران خسارت

اثر مهم و اصلی مسئولیت مدنی، حق جبران خسارت می باشد که به استناد این حق، زیان دیده می تواند با رجوع به انجام دهنده فعل زیان بار خواهان جبران خسارت وارده بر خویش شود. هر چند از این حق، به حق اقامه دعوی تعبیر می شود ولی اثر مستقیم و ذاتی مسئولیت مدنی وجود حق اقامه دعوی برای زیان دیده نیست، بلکه حق جبران خسارت است ولی انجام دهنده فعل زیان بار از جبران خسارت وارده خودداری نماید، زیان دیده می تواند به اعتبار حق جبران خسارت علیه او اقامه دعوی کند.

### ۲- خواسته زیان دیده

زیان دیده، اعم از اینکه مستقیم به مسئول مراجعه یا علیه او اقامه دعوی در دادگاه صالح نماید، می تواند دو خواسته از او داشته باشد: نخست حق دارد از او تقاضا نماید که از انجام مجدد فعل زیان بار یا از ادامه آن، در صورتی که فعل زیان بار از اعمال مستمر یا قابل تکرار است، خودداری نماید. مثلاً کسی که شروع به ساخت دیواری نموده که مانع ورود نور به خانه همسایه می شود، همسایه می تواند از او خواهان توقف ساخت آن شود که این خواسته ناظر بر پیشگیری از وقوع ضرر آینده است و زیان دیده حق دارد که از این جهت خواهان تأمین منافع خویش گردد (نظری، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰)

دوم اینکه او حق دارد خواهان جبران خسارتی شود که در اثر فعل زیان بار به او وارد شده یا آینده وارد می شود. خواسته او از این جهت محدود به ضرری است که متحمل شده است و نمی تواند بیشتر از جبران ضرر، تقاضایی داشته باشد. اگر زیان دیده با مسئول درباره میزان ضرر یا روش جبران آن با هم توافق کنند، جبران خسارت طبق توافق طرفین انجام می شود ولی اگر با هم توافق نکنند و در دادگاه صالح اقامه دعوی شود، قاضی باید اصولی را در برآورد خسارت و اجرای حکم در نظر گیرد، که مورد بررسی قرار می گیرد.

### ۳- اصول برآورد خسارت

اگر طرفین در مورد میزان خسارت وارده به توافق نرسند و زیان دیده اقامه دعوی جبران خسارت کند، دادگاه باید خسارت وارده را تعیین نماید. برای انجام این وظیفه، دادگاه باید اصول؛ لزوم جبران کامل ضرر، لزوم توجه به توانایی مالی مسئول، لزوم در نظر گرفتن هزینه های مسئول، را در نظر گرفته و مطابق آن تعیین خسارت نماید. به عنوان مثال اگر معلم بجای تشویق از تنبیه استفاده نماید و از روی خطا ضرری به دانش آموز وارد شود و خودشان در تعیین میزان خسارت توافق نکنند ولی دانش آموز زیان دیده می تواند اقامه دعوی جبران خسارت نماید.

### ۳-۱- انواع خسارات قابل جبران

حقوقدانان به لحاظ ماهیت، خسارت را به صورت های؛ خسارت مادی (مالی یا اقتصادی) و معنوی (غیر مادی) تقسیم بندی کرده اند. خساراتی که هم جنبه مادی دارند و هم جنبه معنوی، مانند صدمات وارد شده به بدن انسان را جزء هر دو دسته آورده و آنها را هم به عنوان خسارت مادی مورد بررسی قرار داده اند و هم به عنوان خسارت معنوی. (ژوردن، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷) برخی آن را به سه دسته: مادی، معنوی و جسمی (جسمانی) یا مختلط تقسیم کرده اند. (آشوری، ۱۳۷۵، ص ۲۰۷) اما همانطور که برخی گفته اند، (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۲۶) گرچه در خسارت های جسمی و بدنی در بسیاری موارد هر دو خسارت مادی و معنوی وجود دارد، ولی این امر باعث نمی شود، خسارت به شکل سومی نیز وجود داشته باشد و ماهیت خسارت را از جنبه مالی یا معنوی تغییر دهد. در واقع، در صدمات بدنی دو نوع خسارت با ماهیت جداگانه به وجود می آید که یکی مالی و دیگری معنوی است؛ قطع، جرح، نقض و درد و رنج ناشی از آن، زیان معنوی و بستری شدن در بیمارستان و تحمیل هزینه معالجه و درمان، زیان مالی است که هر دو در یک حادثه به طور همزمان یا در پی هم به وقوع پیوسته است. ولی این دو نوع زیان کاملاً قابل تفکیک از یکدیگر است و همراهی آنها نباید سبب شود که خسارت جسمانی در برابر خسارت مالی (مادی) و معنوی نوع مستقلی یا ترکیبی از آن دو محسوب شود. بر این اساس، خسارت به اقسام:

۱- خسارت مالی (تلف عین، تلف منفعت، محرومیت از سود قابل وصول، محروم ماندن از نیروی کار، خسارت مالی ناشی از صدمه بدنی)

۲- خسارت غیر مالی؛ الف- گاه معنوی است که خسارت معنوی ناشی از صدمه بدنی "قطع امید از زندگی، درد و رنج، بر هم خوردن تعادل یا از دست دادن توانایی و استعداد است ب- گاه خسارت روحی است که ناشی از صدمه به سرمایه معنوی، محروم ساختن شخص از موقعیت های مناسب است ج- گاه خسارت بدنی است را تقسیم بندی کرده اند. در مورد خسارت مالی بین اشخاص تفاوتی وجود ندارد همین که فردی اعم از معلم و غیر معلم نسبت به دیگری ضرری وارد کرد بر اساس ادله کتاب، سنت، اجماع و عقل باید خسارت وارده را جبران نماید. و اما نسبت به خسارات غیر مادی اعم از معنوی و روحی و بدنی به لحاظ شرایط ویژه باید جبران نماید.

### ۳-۱-۱- خسارت معنوی

خسارت معنوی خسارتی است که چهره مالی و اقتصادی نداشته و به حقوق مالی و دارایی شخص صدمه نمی زند، ولی سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق غیر مالی اوست. برخی نویسندگان حقوقی، نقض بدنی، لطمه به شرافت و شهرت شخصی و خانوادگی، سلب آزادی، تجاوز به اقامتگاه و فاش ساختن اسرار خصوصی را به عنوان مصادیق خسارت معنوی آورده اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۱) با این همه، همانطور که برخی گفته اند، (امامی، ۱۳۸۳، ص ۵۷۸) جملگی این موارد، اسباب ایجاد ضرر معنوی هستند، نه مصادیق آن.

ضرر معنوی، همان جریحه دار شدن احساسات، عواطف، علایق، عقاید و رنج های حاصل از صدمات بدنی و سایر حقوق غیر مالی شخص است. به عبارت دیگر، مصادیق ضرر همان رنج و تألمات و تأثرات روحی و روانی و یا دردهای ناشی از صدمه به تمامیت جسمانی فرد هستند که گاه از یک بی اعتباری ساده و گاه از قطع عضوی از بدن که به افسردگی فرد می انجامد و نیز آسیب هایی است که موجب کسر شهرت و اعتبار شخص و هتک شخصیت اوست. بر این اساس، ضرر معنوی ممکن است در اثر لطمه به اموال شخص که وی بدان ها تعلق خاطر دارد و یا با حقوق معنوی او در ارتباط هستند، همانند شهرت، اعتبار تجاری وارد آید و یا در اثر اعمالی به بار آید که مستقیماً عواطف، علایق، شخصیت، اعتبار و یا تمامیت جسمانی فرد را نشانه رفته اند.

از جمله ویژگی های خسارت معنوی این است که حتی با فرض عدم وقوع خطر جانی و یا وقوع آن یا آسیب مالی ندیدن قربانی به لحاظ نادیده گرفتن حقوق وی نیز ورود صدمه قابل تصور است. علاوه بر آن ورود خسارت معنوی، محدود به زیان دیده و یا قربانی مستقیم حادثه نیست و ممکن است دیگران نیز به لحاظ رابطه ای که با زیان دیده دارند، مانند خانواده و ورثه وی، به خطر آسیب های جبران ناپذیر معنوی و بدنی که به وی می رسد، دچار تألم و تأثر روحی گردند. (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۴)

### ۲- خسارت روحی

یکی از انواع خسارت معنوی، صدمات روحی است که در بند ۲ ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری سابق به آن اشاره شده بود، اما در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ از متن ماده ۹ حذف شده است و به همین دلیل برخی، در مورد قابل مطالبه بودن اینگونه خسارات اظهار تردید کرده اند. (مهمان نواز، ۱۳۸۸، ص ۶۴) لکن با وجود اصل ۱۷۱ قانون اساسی که میثاق ملی است و نیز با وجود تصریح مواد ۱ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی بی شک، اینگونه صدمه ها نیز خسارت محسوب می شود و باید جبران گردد.

خسارت روحی ممکن است، در اثر عوامل گوناگونی چون: صدمه به تمامیت جسمانی، بروز یک حادثه غیر منتظره، فوت یا آسیب جسمی و روحی نزدیکان، اهانت به مقدسات، از بین رفتن



فرصت، مانند محروم شدن شخص از یک فعالیت سیاسی، اجتماعی یا ممانعت از شرکت در آزمون استخدامی یا کنکور، از بین رفتن یک شیء با ارزش و دوست داشتنی برای شخص. (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، صص ۶۱ و ۶۲) بدیهی است، این صدمات روحی که ممکن است، پیامد یک صدمه بدنی باشد با خود صدمه بدنی و نیز درد و رنج ناشی از صدمه بدنی در اثر جراحت آن تفاوت دارد و هر یک خسارتی مجزا می‌باشند. از طرف دیگر، نمی‌توان گفت که دیه تعیین شده برای هر عضو، باید جبران تمام خسارات مادی و غیر مادی وارد بر شخص را در بر می‌گیرد، زیرا دیه مابازای خود عضو از بین رفته یا نقص و عیب یا جرح وارد بر آن است که خسارتی جیمانی است و به نظر نمی‌رسد، خسارات معنوی، از جمله خسارت روحی یاد شده را نیز شامل شود و این که شارع مقدس و به تبع وی، قانونگذار در ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی تصریح دارند: هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد، جانی باید ارزش بپردازد. دلالت بر این دارد که جنایات یا خساراتی وجود دارد که دیه برای آنها تعیین نشده است و باید با تعیین ارزش توسط حاکم جبران شود. علاوه بر آن، در موارد دیگر که به شخص آسیب جسمانی وارد نشده است، یعنی عضوی از بدن وی مجروح نشده یا نقص و عیب نیافته است، به صرف این که در شرع و قانون برای آن دیه تعیین نگردیده، پس ضرری حاصل نشده است، درست نیست. برعکس اینگونه صدمه‌ها، خسارت مسلم بوده و در بسیاری موارد قابل رفع نیست و برای همیشه در ذهن روان شخص باقی ما ماند و همواره وی را آزار می‌دهد. حتی در عرف، اینگونه صدمه‌های روحی از آسیب‌های جسمانی سخت‌تر است و ضرب‌المثل‌های "زخم زبان از زخم شمشیر بدتر است"، "زخم شمشیر بر تن است و زخم زبان ناپذیر است." (رحمت نژاد، ۱۳۸۵، صص ۱۷۳ و ۱۷۴) به این خوبی گویای این سخن است.

بنابراین در تمام موارد فوق، زیان دیده (دانش آموز)، علاوه بر خسارات دیگری که ممکن است متحمل شود دچار صدمه روحی و روانی نیز می‌شود و نباید در قابل جبران بودن آنها تردید کرد و چنانچه زیان دیده ثابت نماید خسارت دیگری غیر از آنچه مستوجب دیه است، متحمل شده است، حکم به جبران خسارت آن از سوی معلم اولی است. هرچند، در قانون اصلاحی بیمه اجباری، از جمله تبصره ۳ ماده ۱ و نیز ماده آیین نامه اجرایی قانون سابق تصریحی به اینگونه خسارت نشده و بر این اساس گفته شده بود، مسئولیت دارنده ی اتومبیل به جبران خسارت‌های مادی و بدنی محدود شده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، صص ۲۲۹) اما دست کم در بسیاری موارد، به ویژه در جایی که زیان دیده، خود، به طور مستقیم دچار حادثه ناشی از وسیله نقلیه و متحمل صدمه شده است، تحت عنوان "ارش ناشی از صدمه، نقض عضو، از کار افتادگی" حسب تبصره ۳ یاد شده، در قلمرو مسئولیت مدنی دارنده وسیله نقلیه قرار می‌گیرد و دارنده باید (با جمع سایر شرایط) از عهده ی جبران آنها برآید. خسارت معنوی ناشی از صدمه به سرمایه معنوی؛ آنچه که سرمایه معنوی

شخص را تشکیل می‌دهد، همین حقوق مربوط به شخصیت معنوی یا اخلاقی است که ناظر بر جنبه‌های غیر جسمی شخصیت آدمی است و تعرض به آنها موجب خسارت معنوی است. مهم‌ترین انواع آن را به این شرح بیان کرد: لطمه به شهرت و اعتبار، سلب آزادی، صدمه به حقوق مدنی، تجاوز به اسرار محرمانه و اسرار خانوادگی، صدمه به احساسات و باورهای دینی و اعتقادی، محروم ساختن شخص از موقعیت‌های مناسب. (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، صص ۶۶ و ۶۷) محروم ساختن شخص از موقعیت‌های مناسب یکی از ابعاد حقوقی شخصیت، حق بهره‌برداری مطلوب شخص از فرصت‌ها و موقعیت‌هایی است که می‌تواند فرا روی وی قرار گیرد. برای مثال شرکت در یک مسابقه یا امتحان ورودی برای استخدام یا کنکور، ثبت نام برای سفر تفریحی و علمی، شرکت در یک سمینار یا کنفرانس علمی، حضور در پای رأی یا اعلام نامزدی برای یک سمت اجتماعی مانند نمایندگی مجلس و مانند آن، (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۷۳) بی‌شک از دست دادن هر یک از این فرصت‌ها، موجب صدمه به شخص و از بین رفتن ارزش‌هایی است که شخص انتظار آنها را داشته است.

صرفنظر از اختلافاتی که در مورد قابل مطالبه بودن این نوع خسارات در حقوق ما وجود دارد، (وحدتی شبیری، ۱۳۸۵، ص ۸۰) با فرض اینکه در حقوق ما اینگونه خسارات نیز قابل مطالبه باشند، به نظر می‌رسد، صرفاً از راننده مقصر قابل مطالبه باشند و به دلیل این که از موارد تصریح شده در قانون اصلاح قانون بیمه اجباری نمی‌باشد، جبران آنها از شمول قلمرو مسئولیت مدنی دارنده وسیله نقلیه خارج است.

### ۳- خسارت بدنی

یکی دیگر از حقوق مربوط به شخصیت، حقوق مربوط به شخصیت جسمی انسان است، علاوه بر این که در زمان حیات شخص مورد حمایت است و هرگونه تعرضی به آن ممنوع و موجب مسئولیت مدنی و کیفری است، برای بعد از مرگ نیز این حق حفظ می‌شود، به طوری که، کسی که اهلیت برای وصیت داشته باشد، می‌تواند در مورد کالبد بیجان خود نیز تصمیم‌گیری نماید. هر چند این حق مطلق نیست و با توجه به مقتضیات عدالت ممکن است، تغییر نماید. (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۷۵، ص ۱۸)

خسارت بدنی، صدمه‌ای است که به سلامت و تمامیت جسمانی انسان وارد می‌شود و به شکل نقص یا قطع عضو یا جراحی یا بیماری و یا حتی تغییر رنگ قسمتی از بدن ظاهر می‌شود، بدیهی است که مرگ شدیدترین صدمه بدنی به شمار می‌رود. (امامی، ۱۳۸۳، صص ۵۷۶ و ۵۷۷) این صدمات که مخصوص شخص حقیقی است و نسبت به شخص حقوقی قابل تحقق نیست، زیرا شخص حقوقی وجود ندارد و وجودش اعتباری است، بنابراین ورود ضرر جسمی نسبت به آن منتفی است. (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۶۹) از یک سوء از نظر روانی به شخص آسیب وارد می‌نماید و از سوی

دیگر، هزینه های درمان، از کار افتادگی و احیاناً کفن و دفن را به شخص یا دارایی او تحمیل می نماید. (لورراسا، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸) به همین دلیل در مورد ماهیت این نوع صدمات، نظرات مختلفی ارائه شده است، برخی خسارت را مالی (مادی) دانسته اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۲) و برخی دیگر خسارت معنوی. (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۵۱) برخی نیز به دلیل اینکه خسارت بدنی هم خسارت مالی را به دنبال دارد و هم خسارت معنوی، این نوع خسارات را خسارت مختلط نامیده اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۷۸) اما همانطور که برخی گفته اند، (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۶۹) به نظر می رسد خسارت جسمانی ماهیتی جدای از خسارت مالی و معنوی دارد و اگر چه ممکن است اغلب یکی از این دو نوع زیان را نیز به همراه داشته باشد، اما خود نیز اصلتی جداگانه دارد، زیرا:

نخست - صدمه بدنی، زیان مالی نیست و فاقد خصوصیات آن است، زیرا جسم انسان، مال محسوب نمی شود و هیچگاه در عرف چنین داوری ای وجود نداشته که تمامیت جسمی انسان مال به حساب آید و با پول تقویم شود، بلکه انسان و متعلقات او ارزشی فراتر از مال و اشیائی مادی دارد، به گونه ای که با استنباط از تعالیم اسلامی، می توان گفت تمام عالم افلاک و ماده برای او و در خدمت او خلق شده است. پس هر چند جسم انسان از عناصر مادی تشکیل شده است، ولی به هیچ عنوان مال محسوب نمی شود و بر این اساس، خسارت وارد بر آن نظیر قتل، ضرب و جرح، قطع عضو و صدمات دیگر را نمی توان خسارت مالی یا مادی نامید. (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰، صص ۵۱ و ۵۲)

دوم - درست است که خسارات بدنی، اشتراکاتی با خسارات معنوی دارند و همین امر موجب می شود در مقابل خسارت مالی، خسارت غیر مالی را تشکیل دهند، اما خسارت جسمی را نمی توان خسارت معنوی صرف دانست، زیرا علاوه بر آن که بر خلاف خسارت معنوی در عالم خارج وجود دارد و قابل رؤیت است (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴) یعنی به جسم شخص که بعد مادی و ملموس دارد، وارد می شود، در بسیاری موارد خسارت بدنی با خسارت معنوی تأم نیست، در این صورت، دلیلی وجود ندارد آن را نوعی خسارت معنوی بدانیم. برای مثال، در یک حادثه رانندگی که فقط رنگ پوست شخص تغییر پیدا می کند و یا خراشی جزئی در حد حارصه بر می دارد یا دست شخص، شکستگی ساده پیدا می کند، (صالحی انصاری، ۱۳۷۶، ص ۴۵) نه هزینه مالی آنچنانی به دنبال دارد و نه تألم روحی و جسمی غیبر متعارف و نه چندان موجب تألم روحی نزدیکان می شود. بنابراین به نظر نمی رسد، چنین آسیب خسارت معنوی یا مادی تلقی شود، در حالی که شکی در ورود آسیب بدنی نیست.

علاوه بر آن، مثالی ساده، تفاوت این نوع خسارات را به خوبی نشان می دهد، فرض کنید در یک تنبیه بدنی، دست دانش آموز قطع می شود، بدیهی است، جلوگیری از ادامه خونریزی و التیام زخم ناشی از قطع، به دارو و درمان و گاه به جراحی و پرداخت دستمزد پزشک و هزینه بیمارستان نیاز

دارد که همه ی این هزینه ها خسارت مادی است، همچنین در اثر این امر، شخص دچار تألم روحی و روانی خواهد شد که خسارت معنوی است، اما از دست دادن دست، خود خسارتی است مستقل که نمی توان آن را با دو نوع خسارت قبلی، یکی دانست.

در ماده ۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری نیز این تفکیک رعایت شده و فقط خسارات مالی و خسارات بدنی از خسارات غیر مالی در قلمرو مسئولیت مدنی دارنده وسیله نقلیه و به تبع آن، مسئولیت بیمه گر اعلام شده است. بنابراین با توجه به دلایل فوق و نیز احترام و اهمیت فوق العاده تمامیت جسم و تن آدمی، باید آن را مستقل از زیان مالی و معنوی دانست. به همین دلیل هم، چه در فقه و چه در قوانین موضوعه ما، خسارات بدنی جداگانه ذکر گردیده و برای جبران آنها، شیوه و مقدار معینی مال (با عنوان دیه و ارش) در نظر گرفته شده است. (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۵) به موجب تبصره ۳ ماده ۱ یاد شده، منظور از خسارت بدنی در این قانون «هر نوع دیه یا ارش ناشی از صدمه بدنی، شکستگی، نقص عضو، از کارافتادگی (کلی یا جزئی - موقت یا دائم) یا دیه فوت شخص ثالث به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون است. به این ترتیب، خسارت در این تبصره به معنای "تاوان و مابازای" به کار برده شده که در مقابل صدمه یا فوت پرداخت می شود که همان دیه و یا ارشی است که شرع و قانون تعیین کرده است و علت تحقق آن می تواند صدمات بدنی و فوت باشد. سایر عبارات تبصره نظیر شکستگی، نقص عضو یا از کار افتادگی از مصادیق صدمه می باشند که یا دیه مقرر دارند یا ارش به آنها تعلق می گیرد. (خدابخشی، ۱۳۸۸، ص ۳۴) بنابراین، مهم نیست، آسیب بدنی ناشی از ضرب و جرح، شکستگی، نقص عضو و یا هر عنوان دیگر باشد، بلکه آنچه مهم است، این است که صدمه قابل استناد به وسیله بوده و برای آن، در شرع دیه تعیین شده باشد و اگر دیه تعیین نشده باشد، قابلیت تعیین ارش با آن وجود داشته تا در قلمرو مسئولیت دارنده قرار گیرد.

در تبصره یاد شده، هزینه های درمانی نیز به عنوان مصادیق خسارت بدنی آورده شده است، اما همانطور که قبلاً بیان شد، (خدابخشی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲) این هزینه ها، از مصادیق خسارت مالی ناشی از صدمه بدنی است و با خسارت بدنی ماهیثاً تفاوت دارد و باید در بحث از خسارات مالی مطرح شود. ضمن این که عبارت "چنانچه مشمول قانون دیگری نباشد" در ذیل تبصره یاد شده، ناظر بر مسئولیت بیمه گر است و به مسئولیت دارنده ارتباطی ندارد، چون در مورد مسئولیت دارنده قانون دیگری غیر از قانون اصلاح قانون بیمه اجباری قابلیت اعمال و اجرا ندارد. (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۹)

قانونگذار در مواد ۱۵ و ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی دیه را تعریف کرده و در جمع آن دو ماده می توان گفت: دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت بر نفس یا عضو تعیین شده و به مجنی علیه (زیان دیده) یا اولیای دم وی داده می شود و با توجه به ماده ۳۶۷ قانون مجازات

اسلامی ارزش نیز مالی است که برای جنایت وارد بر عضو به زیان دیده یا اولیاء دم داده می‌شود و مقدار آن در شرع تعیین نشده، بلکه حاکم مقدار آن را تعیین می‌نماید. (گرچی، ۱۳۷۵، ص ۱۷) بدیهی است، پرداخت دیه یا ارزش شیوه‌ی جبران خسارت است و با خود خسارت تفاوت دارد، اما در هر حال خسارتی در قلمرو مسئولیت مدنی دارنده‌ی وسیله نقلیه قرار می‌گیرد که شرعاً و قانوناً مستوجب دیه یا ارزش باشد.

### نتیجه‌گیری

آموزش در مدرسه یک فرایند رسمی است؛ یک برنامه معین از دروسی که باید از معلم فراگرفته شوند وجود دارد. با وجود این مدارس از جنبه‌های ظریف تری عوامل اجتماعی شدن نیز هستند. در کنار برنامه‌ی آموزش رسمی چیزی که بعضی جامعه‌شناسان آن را برنامه آموزشی پنهان نامیده‌اند وجود دارد که یادگیری کودکان را مشروط می‌کند از کودکان انتظار می‌رود یاد بگیرند که در کلاس آرام باشند، به موقع در کلاس حاضر شوند. مقررات انضباطی مدرسه را رعایت کنند. از آنها خواسته می‌شود اقتدار معلمان را بپذیرند و نسبت به آن پاسخگو باشند. در این میان واکنش‌های معلمان نیز باید بر اساس قوانین مدون حقوق موضوعه باشد و از هر گونه افراط و تفریط در امان بمانند تا بتوانند مسئولیت خطیر خود را به منصفانه ظهور برسانند. با توجه به مجموع بررسی‌های انجام شده و تحلیل‌های متفاوت حقوقی نتایج زیر به دست آمد.

- سیستم حقوقی ایران، بر جبران ضرر و زیان ناروا و مسئولیت مدنی معلم تأکید داشته و از زندگی و جامعه‌ی بی‌ضرر حمایت می‌کند و با وضع قوانین و مقررات خاص در صدد پیشگیری از تضییع ناروای حقوق دیگران از جمله حقوق دانش‌آموزان، در صورت عدم امکان پیشگیری، سعی در کاهش عمق و وسعت خسارت و یا حتی المقدور جبران ضرر وارده است. بنابراین اگر معلمی به نحو مباشرت سبب خسارت دانش‌آموزی شود، (طبق ماده ۳۲۸ قانون مدنی) و اگر به نحو تسبیت باشد (طبق ماده ۳۳۱ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی) مسئول می‌باشد

- از قوانین ایران (قانون اساسی، قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی، قانون مجازات اسلامی و...) مستفاد است که در حقوق موضوعه ایران، مبنای مسئولیت مدنی معلم، نظریه تقصیر است، یعنی به طور کلی شخص در صورتی مسئول زیان‌های ناشی از اعمال خویش است که مرتکب تقصیر شده باشد، اصل بر این است که فرد غیر مقصر، مسئول نیست مگر آنکه قانون خاصی در آن مورد وجود داشته باشد.

- از اصول کلی در زمینه‌ی مسئولیت مدنی یا ضمان معلم و شرایطی که برای معلم در حقوق ایران به خوبی استنباط می‌شود که فقط در موارد "تقصیر"، معلم مسئول جبران زیان‌های وارده بر اشخاص زیان‌دیده است. در حقوق، به زیان‌هایی ضرر گفته می‌شود که نامشروع و نامتعارف

باشد و اینگونه ضرر را باید جبران نمود نه هر ضرری را، واژه ی ضرر در اینجا به طور مطلق استعمال نشده و مد نظر نیست زیرا اصولاً بسیاری از ضررها در زندگی اجتماعی، نه تنها قابل اغماض است، بلکه جزء لاینفک زندگی اجتماعی است. به بیان دیگر، هر ضرری در آن واحد ممکن است برای عده ای، به راستی ضرر ولی در عین حالی برای عده ای دیگر، واقعاً منفعت باشد. -هرگاه معلوم شود، با وجود تقصیر معلم، عامل خارجی سبب ورود خسارت شده است، دولت یا معلم، در این صورت مسئولیتی نخواهد داشت، یعنی رابطه سببیت بین تقصیر معلم و ضرر وارده، شرط تحقق مسئولیت مدنی معلم است.

### منابع

- ۱- آشوری، محمد، ۱۳۷۵، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی (سمت) چاپ اول،
- ۲- السنهوری، عبدالرزاق احمد، ۱۳۸۴، الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد، جلد ۲، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول،
- ۳- امامی، سید حسن، ۱۳۸۳، حقوق مدنی، جلد اول، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ هفدهم،
- ۴- بادینی، حسن. «فلسفه مسئولیت مدنی»، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۸۴
- ۵- باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- ۶- پروین، فرهاد، خسارت معنوی در حقوق ایران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۵، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۸- خدابخشی، عبدالله، بیمه و مسئولیت مدنی، تهران، نشر روزنامه رسمی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۹- ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، جلد اول، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷.
- ۱۰- رحمت نژاد، حسین، ضرب المثل های ملل، تهران، انتشارات عارف کامل، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۱۱- ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق: ادیب، مجید، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۲- سلطانی نژاد، هدایت الله، مسئولیت مدنی: خسارت معنوی، تهران، انتشارات نورالثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۱۳- صالحی انصاری، محمدجواد، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۶.
- ۱۴- صفایی، سید حسن، قاسم زاده، مرتضی، حقوق مدنی (اشخاص و محجورین)، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵.

- ۱۵- عوجی، مصطفی، القانون المدنی، المسئولیه المدینه، جلد ۲، منشورات الحلبي الحقوقیه، چاپ ۴، ۲۰۰۹.
- ۱۶- غفاری فارسانی، بهنام، مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ۱۷- کاتوزیان، امیرناصر، الزام های خارج از قرارداد، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
- ۱۸- کریمی، یوسف، روانشناسی شخصیت، نشر ویرایش، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹.
- ۱۹- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، جلد ۲، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۲۰- مهمان نواز، روح الله، خسارات قابل جبران در حقوق ایران، تهران، نشر آثار اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۲۱- نظری، ایراندخت، مسئولیت مدنی مالک، تهران، انتشارات جنگل - جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۲۲- وحدتی شبیری، سید حسن، مبانی مسئولیت مدنی قراردادی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

